

سلسله مباحث مهدویت

بررسی دعای ندبه

علی اصغر رضوانی


بسم الله الرحمن الرحیم

بررسی دعا ندبه

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بررسی دعای ندبه

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان قراردادی : دعای ندبه .شرح

عنوان و نام پدیدآور : بررسی دعای ندبه/ مولف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۴۸ص.

فروست : سلسله مباحث مهدویت.

شابک : ۳۵۰۰ ریال: چاپ دوم: ۹۶۴-۸۴۸۴-۹۸-۸ ؛ ۳۵۰۰ ریال چاپ سوم ۹۶۴-۸۴۸۴-۹۸-۴ ؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ چهارم)

يادداشت : چاپ اول: ۱۳۸۵(فیپا).

يادداشت : چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۵.

يادداشت : چاپ سوم.

يادداشت : چاپ چهارم : تابستان ۱۳۸۷.

يادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : دعای ندبه -- نقد و تفسیر

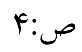
شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۶۹/۷۰۴۲۲ر۵ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۴

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۱۸۵۶۳

اشاره




ص:۶

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده اند و با پوچ گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجّه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

ص:۷

سند دعای ندبه

روش عرف و عقلاـ در مسائل تاریخی، قبول هر خبری است که در کتب تاریخی معتبر یا مشهور نقل شده باشد. ولی علمای اسلام در قبول اخبار و روایاتی که مربوط به احکام شرع و معارف دینی است به این مقدار اکتفا نمی کنند، بلکه درصدد بحث و تحقیق برآمده و در سند احادیث و عدالت و وثاقت راویان حدیث بررسی کامل می کنند، و مادامی که اطمینان کامل و وثوق به احادیث پیدا نکنند به آن عمل نمی نمایند.

این دقت و تحقیق به جهت حصول اطمینان به صدور حدیث از معصوم در مورد تکالیف الزامی، اعم از وجوب و حرمت دو چندان می شود، ولی در مورد مستحبات احتیاج مبرم به این گونه بررسی نیست. مورد ادعیه از این قسم است؛ زیرا به جهت استحباب قرائت آن احتیاج مبرمی به بررسی سندی ندارد، بلکه قرائت آن به رجا و امید مطلوبیّت کافی است، و می توان از قوت متن و الفاظ و مضامین دعا پی به اعتبار آن برد؛ زیرا این مضامین در آیات و روایات معتبر نیز وارد شده است. خصوصاً آن که مطابق اخبار «من بلغ» که دلالت بر تسامح در ادله سنن و مستحبات دارد، احتیاج چندانی به بررسی سند ادعیه مستحبّه نیست.

ص:۹

راه تشخیص روایت صحیح از غیر صحیح

از آنجا که برخی از کذّابین از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله درصدد جعل و وضع حدیث و نسبت آن به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام بوده اند، لذا جا دارد که میزانی را برای تمییز بین حدیث صحیح از غیر صحیح به دست دهیم. در این باره به چند میزان می توان اشاره نمود:

۱ - موافقت با قرآن

امام صادق علیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «إنّ علی کلّ حقّ حقیقه وعلی کلّ صواب نوراً، فما وافق کتاب اللَّه فخذوه وما خالف کتاب اللَّه فدعوه»؛(۱) «همانا بر هر حقّی حقیقتی و بر هر صوابی نوری است، پس آنچه موافق کتاب خداست اخذ کرده و آنچه مخالف کتاب خداست رها کنید.»

۲ - موافقت با سایر کلمات معصومین علیهم السلام

حسن بن جهم می گوید: به امام رضاعلیه السلام عرض کردم: از جانب شما احادیث مختلف به ما می رسد؟ حضرت فرمود: «ما جآءک عنّا فقِس علی کتاب اللَّه عزّوجلّ وأحادیثنا، فإن کان یشبههما فهو منّا، وإن لم یکن یشبههما فلیس منّا»؛(۲) «آنچه از جانب ما به شما رسید بر کتاب خداوند عزّوجلّ و احادیث ما مقایسه کنید، اگر شبیه آن دو است از ما می باشد، وگرنه از ما نیست.»

۳ - موافقت با عقل و عدم مخالفت با حکم آن

در حدیثی از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل است که فرمود: «هرگاه از من حدیثی به

۱- ۱. کافی، ج ۱، ص ۶۹، ح ۱.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۲۱، ح ۳۳۳۷۳.

شما رسید آن را بر کتاب خدا و حجّت عقولتان عرضه بدارید، اگر موافق این دو بود قبول کرده وگرنه آن را بر دیوار زنید».(۱)

نظر بزرگان درباره دعای ندبه

شیخ مرتضی انصاری رحمه الله در کتاب «المکاسب» در بخش خیارات در ذیل حدیث «المؤمنون عند شروطهم» می گوید: بعید نیست که بگوییم عنوان «شرط» بر التزامات ابتدایی صادق نیست، بلکه متبادر عرفی از «شرط» همان التزامات تابع عقد است، همان گونه که از موارد استعمال این کلمه در مثل قول امام در دعای ندبه استفاده می شود، آنجا که در ابتدای دعا فرمود: «بعد أن شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنیا الدنیّه».(۲)

شیخ انصاری رحمه الله گویا این دعا را امر مفروغ عنه از حیث صحت گرفته و لذا به آن در مجال احکام شرعیه استدلال کرده است.

محشّین مکاسب شیخ بر او در این نکته هیچ اعتراضی نکرده و سند آن را نیز مورد مناقشه قرار نداده اند.

شیخ عبداللّه مامقانی در حاشیه خود بر مکاسب می گوید: «وجه دلالت این جمله از دعا بر مقصود این است که: کلام امام به این بر می گردد که خداوند عزّوجلّ به بندگان خود فرمود: هر کس در این دنیا زهد پیشه کند من به او نعمت مقیم عطا خواهم کرد...».(۳)

۱- ۳. شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۱؛ تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۳، ص ۳۹۲.

۲- ۴. المکاسب، ج ۵، ص ۲۱.

۳- ۵. حاشیه مامقانی بر مکاسب، قسم خیارات، ص ۱۲.

ایروانی نیز می گوید: «امّا اطلاق شرط در دعای ندبه به اعتبار این است که در ضمن التزام "جزیل ما عنده"... آمده است...».(۱)

ناقلان دعای ندبه

دعای ندبه را عده ای از علما و محدثین نقل کرده اند از آن جمله:

۱ - شیخ مشهدی در «المزار» از محمّد بن ابی قره و او از کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان بزوفری نقل کرده و آن را به امام زمان علیه السلام نسبت داده است.(۲)

۲ - سیّد بن طاووس در «مصباح الزائر» و «اقبال الاعمال» از بعض اصحاب ما از محمّد بن علی بن ابی قرّه به نقل از کتاب محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری نقل کرده و آن را به امام زمان علیه السلام نسبت داده است.(۳)

۳ - علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «زاد المعاد» می گوید: «و امّا دعای ندبه که مشتمل بر عقاید حقّه و تأسّف بر غیبت قائم علیه السلام است، به سند معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است...».(۴)

۴ - قبل از این بزرگان، این دعا را شیخ جلیل ثقه ابوالفرج محمّد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قره قنانی که معاصر شیخ نجاشی و از اعلام قرن پنجم بوده، نقل کرده است. کسی که شیخ محمّد بن مشهدی در کتاب «المزار» از او زیاد نقل می کند.

۱- ۶. حاشیه ایروانی بر مکاسب، ج ۲، ص ۵.

۲- ۷. المزار، ص ۵۷۳، دعای ۱۰۷.

۳- ۸. مصباح الزائر، ص ۴۴۶؛ اقبال الاعمال، ص ۲۹۵ - ۲۹۹.

۴- ۹. زاد المعاد، ص ۴۸۸.

۵ – و نیز شـیخ جلیل ثقه ابو جعفر محمّد بن حسـین بن سفیان بزوفری در کتاب «الدعاء» نقل کرده است. او که از مشایخ شیخ مفیـدرحمه الله به حسـاب می آیـد مورد تأییـد خاص او قرار گرفته است. حاجی نوری در «خاتمه المسـتدرک» او را از مشایخ شیخ مفید برشمرده و به وثاقت و جلالت قدر او شهادت داده است.

مرحـوم آیت اللّه بروجردی می فرمـود: «یکی از راه هـای شـناخت رجـال، شـناخت شخصـیت شـاگردان آنـان است. و هرگـاه مشاهـده شـد که اشخاصـی همچون شـیخ مفیـدرحمه الله از شـخص معینی زیاد روایت نقل می کنـد و هرگز مذمّتی در حق او ندارد این به نوبه خود نشانه این است که آن شخص مورد وثوق و اطمینان است».

راوی دعای ندبه

کسـی ادّعـا نکرده که بزوفری این دعا را بـدون واسـطه از امام نقل کرده است. و آیا لازم است هر کسـی که روایتی را از امام نقل می کند معاصر با امام باشد؟

مـا اطمینـان داریم که این دعـا یـا بـا سـند در کتـاب بزوفری روایت شـده ولی دیگران که از آن کتـاب نقـل کرده انـد از باب مسامحه آن سـند را حذف کرده اند، و یا این که بزوفری از آنجا که دعا را معروف و مشهور دیده احتیاجی به ذکر سند ندیده است؛ زیرا همان گونه که در این زمان معروف و مشـهور است، در عصرهای گذشته نیز چنین بوده است. خصوصاً آن که متن آن با آیات قرآن و روایات دیگر سازگاری تمام دارد.

«محمّد بن مشهدی» راوی با واسطه دعای ندبه

از کلمات آیت اللَّه خویی رحمه الله به نقل از شیخ حرّ عاملی به دست می آید که مراد از محمّد بن مشهدی، محمّد بن علی بن جعفر است.(۱)

ولی مرحوم حاجی نوری در «خاتمه مستدرک» در این باره می گوید: «مراد از محمّد بن مشهدی، محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی است که از وی به عنوان «حائری» نیز یاد شده است. ایشان یکی از راویان ابی الفضل شاذان بن جبرئیل قمی است. او همچنین با دو واسطه از شیخ مفید روایت نقل می کند».(۲)

به هر حال او هر که باشد شخصی قابل اعتماد و مورد وثوق و جلیل القدر است که توصیف و مدح وی در کتب رجال آمده است.

«محمّد بن علی بن ابی قرّه» راوی دیگر دعای ندبه

او از جمله راویان صاحب کتاب و مورد اعتماد است. نجاشی درباره وی می گوید: «... او ثقه بوده و روایات فراوانی شنیده و کتاب های بسیاری تألیف کرده است. وی کسی بود که کتاب ها را ورق به ورق برای اصحاب امامیه می خواند و همواره در مجالس با ما بود».(۳)

از آنجا که نجاشی اجازه نقل کتاب های ابن ابی قرّه را از وی داشته است لذا می توان او را از مشایخ اجازه مرحوم نجاشی دانست.

۱- ۱۰. معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۵۹.

۲- ۱۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۸.

۳- ۱۲. رجال نجاشی، ص ۲۸۳.

از آنجا که محمّد بن جعفر مشهدی معاصر محمّد بن ابی قره نبوده است لذا می توان آن را این گونه توجیه کرد:

۱ - شیخ مشهدی معمّر بوده و لذا محمّد بن ابی قره را درک کرده است.

۲ - اگرچه خبر ارسال دارد ولی ابن مشهدی به نقلش از محمّد بن ابی قره یقین داشته است.

۳ - ابن مشهدی دعا را از کتاب مزار ابن ابی قره نقل کرده است، زیرا مطابق نقل صاحب ریاض ابن ابی قره کتابی به نام «مزار» داشته است.

توثیق ابن مشهدی

او از شاگردان احمد بن ادریس به شمار آمده و از او روایت نقل کرده است. و از آنجا که شیخ مفید از او روایت نقل کرده می توان او را از مشایخ شیخ مفید دانست.

درباره وثاقت وی باید گفت: هر چند پیرامون بزوفری در کتب رجال توثیق خاصی وارد نشده است، ولی از آنجا که از مشایخ روایی شیخ مفید بوده و در موارد زیادی برای وی رضا و رحمت خداوند را طلب کرده است، می توان بدون تردید گفت: قواعد توثیق عام، شامل حال وی می گردد.

دعای ندبه از کدامین امام است؟

ظاهر این است که این دعا از جانب امام صادق علیه السلام انشا شده است، همان گونه که مرحوم مجلسی به آن حضرت نسبت می دهد. و اما این که در برخی از

مصادر این گونه آمده که این دعا برای صاحب الزمان است، ممکن است این گونه توجیه کنیم که: این دعا، دعایی است که برای وجود مقدس امام زمان علیه السلام انشا شده است نه این که این دعا از طرف آن حضرت انشا شده باشد.

هرچند برخی خواسته اند احتمال اوّل را به خاطر ناسازگاری برخی از مضامین دعا، با صدور آن از جانب امام صادق علیه السلام مردود سازند، ولی برای اهل تحقیق روشن است که این اشکالات قابل توجیه است، زیرا نظیر چنین مضامینی در موارد دیگر از امام صادق علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام نیز نقل شده است.(۱)

و نیز احتمال دارد که بزوفری از پدرش حسین بن علی بن سفیان که از علما و راویان بزرگ قرن چهارم که هم عصر و زمان غیبت صغرا بوده نقل کرده و او هم به وسیله نواب اربعه از راه مکاتبه و توقیع با امام زمان علیه السلام در ارتباط بوده و این دعا را در کتاب خود آورده و سپس به دست فرزندش ابوجعفر بزوفری رسیده است.

ممکن است برخی اشکال کنند که این دعا انشای برخی از علمای شیعه بوده است. ولی این احتمال از جهاتی باطل است:

۱ - بزوفری در ادامه روایت این چنین آورده است: «ویستحبّ أن یدعی به فی الأعیاد الأربعه». ظاهر این کلمه می رساند که این دعا از جانب معصوم صادر شده است، زیرا محکوم کردن هریک از افعال و اذکار به هریک از احکام خمسه (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) از امور توقیفی است که فقط باید از جانب اولیای معصوم خداوند صورت پذیرد.

۱- ۱۳. منتخب الاثر، ص ۱۴۰.

۲ – این که برای قرائت این دعـا زمـان خـاص (اعیـاد اربعه) ذکر شـده خود دلیـل بر آن است که از جانب معصوم صادر شـده است؛ زیرا در غیر این صورت نمی تواند از چنین ویژ گی خاصی برخوردار باشد.

۳ – رسم علمـا چنین بوده که هرگـاه دعا یا زیارتی را خود انشا می کردنـد متـذکر می شدنـد تا بر مردم مشـتبه نگردد، از باب نمونه:

الف. شـیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه» زیارتی را برای فاطمه زهراعلیها السلام که از انشاهای خود اوست نقل کرده و می گویـد: من آن را در سـفر حـج در مـدینه در کنار قبر فاطمه زهراعلیها السـلام قرائت کردم. ولی آن را به این صورت در اخبار نیافتم...».(۱)

ب. سیّد بن طاووس در «الاقبال» می گوید: «فصلی است درباره آنچه آن را ذکر می کنیم از دعایی که آن را انشا کردیم، آن را هنگام تناول طعام ذکر می کنیم».(۲)

ج. و نیز می فرمایـد: «و امّـا آنچه هنگام رؤیت هلال شوّال گفته می شود ما آن را در کتاب «عمل الشـعر» در ضـمن دعایی که انشا کردیم آوردیم، و این دعا صلاحیت برای تمام ماه ها را دارد...».(۳)

و در موارد دیگر نیز در مورد ادعیه ای که خود انشا کرده چنین تعبیراتی آورده است.(۴)

۱- ۱۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۲ – ۵۷۴؛ بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۹۶، ح ۱۳.

۲- ۱۵. اقبال الاعمال، ص ۱۱۵.

۳- ۱۶. همان، ص ۳۰۵.

۴- ۱۷. مهج الدعوات، ص ۳۰۲ و ۳۳۶ و ۳۴۸؛ امان الأخطار، ص ۱۷.

۴ - ابن مشهدی در «المزار» می گوید: «من در این کتاب خود از فنون زیارات، اخباری را جمع کردم که به واسطه راویان ثقه و مورد اعتماد به سادات متصل شده اند».(۱)

۵ - در صورتی که جمله «انّه الدعاء لصاحب الامر» را به معنای انشا از امام زمان علیه السلام بدانیم می توانیم آن را از توقیعات حضرت به بزوفری بدانیم.

ارتباط امام زمان علیه السلام با کوه رَضْوی و ذی طوی

امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبرا مکان خاصی ندارد، نه در کوه رضوی مخفی است و نه در ذی طوی و نه در سرداب مقدس. آری برخی از فرقه های کیسانیه که منقرض شده اند معتقد بودند که محمّد بن حنفیه در کوه رَضْوی مخفی است. پس چه ارتباطی با این دو کوه و امام زمان علیه السلام وجود دارد که در دعای ندبه به آن اشاره شده است؟

پاسخ: قبل از پاسخ اشکال باید بدانیم که رضوی و ذی طوی چه مکانی است؛

ذی طوی اسم مکانی است داخل حرم که حدود یک فرسخ تا مکه فاصله دارد، و از آنجا خانه های مکه پیداست.(۲)

و رَضْوی کوهی از کوه های مدینه منوّره است در نزدیکی ینبُع، که فاصله بین آن کوه تا مدینه چهل میل است. در مدح و فضیلت آن کوه روایاتی وارد شده است.

۱- ۱۸. المزار، ص ۱۶.

۲- ۱۹. مجمع البحرین.

در جواب سؤال فوق می گوییم: آری ما معتقدیم که حضـرت علیه السـلام مکان معینی در عصر غیبت ندارد و روایات و ادعیه این مطلب را تأییـد می کند، ولی این جمله به معنای آن نیست که حضـرت در کوه رَضْوی یا در منطقه ذی طوی مخفی است، بلکه معنایی کنایی دارد به این معنا که برای حضـرت هیـچ مکان معینی نیست، و لـذا این جمله هیـچ ارتباطی با عقیده کیسانیه ندارد.

و امّـا این که چرا این دو مکـان به طور خصوص در این دعـا ذکر شـده، به جهت تقـدّس و تبرّک این دو مکـان است، و ثابت شده که حضرت علیه السلام در این دو مکان زیاد تردّد داشته اند.

و ممکـن اسـت کـه در ذکر این منطقه اشـاره به این نکته باشـد که حتّی این دو موضـع که مـورد اهتمـام کیسـانیه است تحت تصـرّف امام مهـدی علیه السـلام و محلّ تردّد آن حضـرت است. و یا این که مقصود از ذی طوی مکّه مکرّمه و رَضْوی مـدینه منورّه باشد، آن گونه که در کتاب «اخبار مکّه» اشاره شده است.

عدم تصریح به نام تمام امامان

گاهی گفته می شود چرا اسامی تمام امامان در این دعا ذکر نشده است؟

پاسخ: تصـریح نشدن به اسامی و عدد دوازده امام از قوّت متن آن نمی کاهد. در عین حال گرچه تصریح به نام هر یک از آن ها نشـده ولی به طور کلّی و اجمالی به مصائبی که آن ها در راه هـدایت خلق متحمّل شـده انـد اشاره کرده است. آنجا که می گویـد: «لم یمتثل أمر رسول اللَّه صـلی الله علیه وآله فی الهادین بعـد الهادین...» یا آنجا که می فرماید: «فقتل من قتل وسُبی من سُبی وأُقصی من أُقصی».

این عبارات اشاره به مصائبی دارد که هر یک از امامان در راه هدایت خلق متحمّل شده اند.

و نیز در جایی دیگر می فرماید: «أین الحسن أین الحسین، أین أبنآء الحسین...».

مخالفت با معراج جسمانی

برخی می گویند: جمله «وعرجت بروحه إلی سمآئک» که در دعای ندبه آمده مخالف با اجماع و آیات و روایاتی است که دلالت بر معراج جسمانی دارد، لذا از این جهت درصدد برآمده اند تا در انتساب این دعا به امام خدشه وارد کنند.

پاسخ: صحیح در این جمله: «عرجت به إلی سمآئك» است نه «بروحه» و لذا دلالت بر معراج روحانی ندارد. شاهد این مطلب چند قرینه است:

۱ - محدّث نوری رحمه الله در کتاب «تحیّه الزائر» می گوید: در نسخه ای که من از مزار محمّد بن مشهدی دارم: «عرجت به إلی سمآئک» ثبت شده است.(۱)

۲ - شیخ عباس قمی رحمه الله نیز در کتاب «هدیه الزائر» عبارت استاد خود حاجی نوری را نقل کرده و آن را تأیید نموده است.

۳ - الآن نیز نسخه ای خطّی و نفیس از کتاب مزار محمّد بن مشهدی موجود است که در آن «وعرجت به» ثبت شده است.

۴ - جمله های دیگر در دعا نیز مؤیّد معراج جسمانی است از قبیل: «وأوطأته مشارقك ومغاربک» و «سخّرت له البراق».

۱- ۲۰. تحیه الزائر، ص ۲۶۰.

۵ – بر فرض صحّت نسخه «وعرجت بروحه» این جمله دلالت بر معاد روحانی فقط نـدارد، از باب اسـتخدام لفظ موضوع برای جزء و اراده کـلّ، مقصود معراج جسـمانی و روحـانی است. از قبیـل این که گفته می شود: «روحی لک الفـدآء». مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تهرانی می گوید: «گاهی کلمه روح را در معنای جسم با روح به کار می برند به جهت ارتباط بین حالّ و محلّ یا علاقه ملابست که بین آن دو است...».(۱)

تألیفات درباره دعای ندبه

دانشـمندان و محققان این دعای شریف را مورد توجه خود قرار داده و بر آن شروح و حواشی نوشته اند. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ – «شرح دعای ندبه» از صدرالدین محمد حسنی مدرس یزدی.

۲ – «عقد الجمان لندبه صاحب الزمان» از میرزا عبدالرحیم تبریزی.

۳ – «وسیله القربه فی شرح دعاء الندبه» از شیخ علی خوئی.

۴ – «شرح دعای ندبه» از ملا حسن تربتی سبزواری.

۵ – «النخبه فی شرح دعاء الندبه» از سیّد محمود مرعشی.

۶ – «شرح یا ترجمه دعای ندبه» از سردار کابلی.

۷ – «معالم القربه فی شرح دعاء الندبه» از محدث ارموی.

۸ – «وظائف الشیعه فی شرح دعاء الندبه» از ادیب اصفهانی.

۹ – «کشف الکربه» از محدث ارموی.

۱– ۲۱. شفاء الصدور فی شرح زیاره العاشور، ص ۱۰۸.

۱۰ – «نوید بامداد پیروزی» از موسوی خرم آبادی.

۱۱ – «شرح و ترجمه دعای ندبه» از محبّ الاسلام.

۱۲ – «نصره المسلمین» از عبدالرضا خان ابراهیمی.

۱۳ – «فروغ الولایه» از آیت اللَّه صافی.

۱۴ – «الکلمات النخبه» از عطایی اصفهانی.

۱۵ – «رساله حول دعاء الندبه» از محمّد تقی تستری.

۱۶ – «رساله حول دعاء الندبه» از میرجهانی اصفهانی.

۱۷ – «سند دعاء الندبه» از سیّد یاسین الموسوی.

۱۸ – «شرحی بر دعای ندبه» از علوی طالقانی.

و دیگر شروح و رساله ها در رابطه با دعای ندبه.

دعاهای دیگر در عصر غیبت

ادعیه درباره امام زمان علیه السلام بسیار است، که می توان به برخی از آن ها فهرست وار اشاره نمود:

۱ – دعایی از امام صادق علیه السلام.(۱)

۲ – دعای غریق.(۲)

۳ – دعای بعد از هر فریضه در ماه رمضان.

۴ – دعای عهد صغیر.(۳)

۱- ۲۲. کمال الدین، ص ۳۴۲؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۷۰.

۲- ۲۳. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۸، ح ۲۳.

۳- ۲۴. همان، ج ۸۶، ص ۶۱.

۵ – دعای عهد.(۱)

۶ – دعا بعد از نماز ظهر.(۲)

۷ – دعا بعد از نماز عصر.(۳)

۸ – دعای شب نیمه شعبان.(۴)

مکان های سفارش شده برای دعا در عصر غیبت

مطابق روایات در برخی از مکان های مقدس سفارش خاص به جهت دعا برای امام زمان علیه السلام شده است، از آن جمله:

۱ – مسجد الحرام.(۵)

۲ – سرداب مقدس.

۳ – مقامات منسوب به حضرت از قبیل مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه و مسجد جمکران.

۴ – حرم امام حسین علیه السلام.(۶)

۵ – حرم امام رضاعلیه السلام.(۷)

۶ – حرم عسکریین علیهما السلام در سامرا.(۸)

۷ – حرم هریک از امامان به طور عموم.(۹)

۸ – عرفات در محل وقوف.(۱۰)

۱– ۲۵. البلد الامین، ص ۸۲.

۲– ۲۶. همان، ص ۱۳.

۳– ۲۷. بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۷، ح ۱۸.

۴– ۲۸. مفاتیح الجنان، ص ۱۶۶.

۵– ۲۹. کمال الدین، ص ۴۴۰.

۶– ۳۰. کامل الزیارات، ص ۲۳۰، ح ۱۷.

۷– ۳۱. همان، ص ۳۳۱.

۸- ۳۲. همان، ص ۳۱۳.

۹- ۳۳. همان، ص ۳۱۵.

۱۰- ۳۴. زاد المعاد.

فلسفه توسّل به امام زمان علیه السلام

توسل، وسیله و واسطه قرار دادن چیزی بین خود و مطلوب است. وسیله بر دو نوع است: گاهی از امور مادّی است، مثل آب و غذا که وسیله رفع تشنگی و گرسنگی است. و زمانی نیز از امور معنوی است، مثل گناه کاری که خدا را به مقام و جاه یا حقیقت پیامبرصلی الله علیه وآله قسم می دهد تا از گناهش بگذرد. در هر دو صورت وسیله لازم است؛ زیرا خداوند متعال جهان آفرینش را به بهترین صورت آفریده است، آنجا که می فرماید: «اَلَّذِی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ خَلْقَهُ»؛(۱) «آن خدایی که همه چیز را به بهترین صورت آفرید.»

جهان براساس نظم علت و معلول و اسباب و مسببات، برای هدایت و رشد و تکامل انسان ها آفریده شده است و نیازمندی های طبیعی بشر با عوامل و اسباب عادی برآورده می گردد. فیوضات معنوی خداوند همچون هدایت، مغفرت و آمرزش نیز براساس نظامی خاص بر انسان ها نازل می شود و اراده حکیمانه خداوند بر این تعلّق گرفته که امور از طریق اسباب خاص و علل معین به انسان ها برسد.

بنابراین، همان گونه که در عالم ماده نمی توان پرسید: چرا خداوند متعال زمین را با خورشید نورانی کرده و خود بی واسطه به چنین کاری دست نزده است؟ در عالم معنا نیز نمی توان گفت: چرا خداوند مغفرت خویش را به واسطه اولیای الهی شامل حال بندگان می کند.

ص:۲۴

۱- ۳۵. سوره سجده، آیه ۷.

شهید مطهری رحمه الله می فرماید: «فعل خداوند دارای نظام است. اگر کسی بخواهد به نظام آفرینش اعتنا نداشته باشد گمراه است. به همین جهت است که خدای متعال گناه کاران را ارشاد فرموده است که درِ خانه رسول اکرم صلی الله علیه وآله بروند و علاوه بر این که خود طلب مغفرت کنند، از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان طلب مغفرت کند. قرآن کریم می فرماید: « وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جآؤُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً »؛(۱) «اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می کرد، خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.»(۲)

از همین رو می بینیم که در قرآن و سنت تأکید فراوانی بر وسیله و توسل شده است. خداوند متعال می فرماید: « یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الوَسِیلَهَ »؛(۳) «ای مؤمنین! تقوا پیشه کنید و برای رسیدن به او وسیله طلب نمایید.»

اثر و فایده دیگری که در توسل به اولیای الهی خصوصاً ذوات مقدسه اهل بیت علیهم السلام است این که مردم به جهت دریافت فیوضات الهی به واسطه آنان، نه تنها به مقام شامخ آن ها از نبوت یا امامت یقین حاصل می کنند، بلکه از باب این که «الانسان عبید الاحسان» فرمان بردار دستورات آن ها که همان دستورات خداوند است می شوند.

۱- ۳۶. سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- ۳۷. مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳- ۳۸. سوره مائده، آیه ۳۵.

نهی از عجله

در روایات فراوان به مسأله دعا برای تعجیل فرج حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است و در برخی روایات دیگر از عجله کردن و استعجال نهی شده است. از جمله: «هلك المستعجلون»؛ «کسانی که عجله کردند هلاک شدند.» ممکن است کسی بگوید بین این دو دسته روایات اختلاف و تنافی وجود دارد؟ ولی در جواب می گوییم: خیر؛ زیرا:

اولاً: استعجال در ظهور، اصرار زیاد بر فرج حضرت بدون تمهید مقدمات و شرایط و زمینه هاست، ولی دعا برای ظهور حضرت، با تمهید مقدمات و شروط است.

ثانیاً: نفس دعا برای تعجیل فرج در ظهور حضرت تأثیر به سزایی دارد، به این معنا که خود دعا می تواند به منزله جزء علت تامه در تسریع ظهور تأثیر به سزایی داشته باشد.

دعای عهد

مطابق روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است که: «هرکس چهل صبح دعای عهد را بخواند از یاوران «قائم» ما باشد، و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند او را از قبر بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت باشد...».(۱)

در مورد سؤال فوق می گوییم:

۱- ۳۹. مفاتیح الجنان.

اولاً: این آثار ممکن است مقیّد باشد به این که اعمال و رفتار دیگر نیز درست و مطابق موازین شرع باشد، زیرا انسان باید با حقیقت این دعا انس داشته باشد تا بتواند با خدای خود عهد کند.

ثانیاً: ممکن است که خواندن دعای عهد گرچه از شخصی باشد که انسان بدی است ولی خداوند متعال به برکت این دعا او را متحوّل می گرداند و با خواندن این دعا در چهل روز و عهد قلبی با حضرت مهدی علیه السلام چنان تحوّلی اساسی در وجود او ایجاد شود که به این قابلیّت برسد که بتواند از اصحاب حضرت شود.

ولایت تکوینی امام زمان «علیه السلام»

اشاره

ص:۲۹

اشاره

از جمله مباحثی که بین متکلمان مطرح بوده و هست، ولایت تکوینی امام است. ولایت چیست و ولایت تکوینی چه معنایی دارد؟ آیا کسان دیگری غیر از انبیا ولایت تکوینی یعنی حقّ تصرّف در نظام تکوین را دارند؟ در این جا به توضیح و شرح این موضوع می پردازیم.

تعریف ولایت

فیومی می گوید: «وَلْی مثل فَلْس به معنای قرب است و ولایت به کسره و فتحه و «واو» به معنای نصرت است.»(۱)

جوهری می گوید: «وَلْی به معنای قرب و نزدیک شدن است... و هرکس امر شخصی را متکفّل شود و از عهده آن بر آید، ولیّ او خواهد بود... و ولایت با کسره «واو» به معنای سلطان و نیز با کسره و فتحه «واو» به معنای نصرت آمده است.»(۲)

در اقرب الموارد آمده است: «الولی حصول الثانی بعد الأوّل من غیر فصل؛ وَلْی عبارت است از قرار گرفتن فرد یا شی ء دوم به دنبال فرد یا شی ء اوّل بدون فاصله. وَلِیَ الشی ء وعلیه وِلایه و وَلایه: یعنی مالك امر آن شده و بر آن

۱- ۴۰. مصباح المنیر، ماده ولی.

۲- ۴۱. صحاح اللغه، ماده ولی.

قیام کرد. یا آن که ولایت با فتح و کسر – هر دو – به معنای امارت و سلطنت است....»(۱)

راغب اصفهانی می گوید: «الوَلاء والتوالی أن یحصل شیئان فصاعداً حصولاً لیس بینهما ما لیس منهما»؛ «ولاء وتوالی به معنای آن است که دو چیز و یا بیشتر از آن، طوری قرار گیرند و واقع شوند که بین آن دو، غیر از خود آن ها، چیز دیگری نبوده باشد.»(۲)

علامه طباطبایی رحمه الله در معنای اصطلاحی «ولایت» می فرماید: «ولایت، آخرین درجه کمال انسان است و آخرین منظور و مقصود از تشریع شریعت حقّ خداوندی است.»(۳)

همو در تفسیر المیزان می گوید: «اصل معنای ولایت برداشته شدن واسطه ای است که بین دو چیز حائل شده باشد، به طوری که بین آن دو، غیر از آن ها واسطه ای باقی نماند و سپس برای نزدیکی چیزی به چیز دیگر به چند صورت، به کار گرفته شده است: قرب نَسَبی، مکانی، منزلتی، صداقت و غیر این ها. به همین مناسبت بر هر یک از دو طرف وَلایت، ولّی گفته می شود؛ بالأخصّ به جهت آن که هر یک از آن دو نسبت به دیگری دارای حالتی است که غیرِ آن ندارد. بنابراین خداوند سبحان ولیّ بنده مؤمن خود است؛ امورش را زیر نظر دارد و شئون وی را تدبیر می کند، او را در صراط مستقیم هدایت می نماید، امور وی را در عهده دار و او را در دنیا و آخرت یاری می کند.

۱- ۴۲. اقرب الموارد، ماده ولی.

۲- ۴۳. مفردات راغب، ماده ولی.

۳- ۴۴. مفردات راغب، ماده ولی.

مؤمن حقیقی و واقعی نیز ولیّ پروردگار است، زیرا خود را اوامر و نواهی خداوند تحت ولایت او در می آورد؛ همچنین در تمامی برکت های معنوی: هدایت، توفیق، تأیید، تسدید و آنچه در پی دارد، از مکرّم شدن به بهشت و مقام رضوان خداوند، تحت ولایت و پذیرش خداوندِ خود است... ».(۱)

معنای ولایت تکوینی

مقصود از ولایت تکوینی این است که فردی بر اثر پیمودن راه بندگی آن چنان کمال و قرب معنوی پیدا کند که به فرمان و اذن الهی بتواند در جهان و انسان تصرف کند.

«ولایت تکوینی» یک کمال روحی و معنوی است که در سایه عمل به نوامیس خدایی و قوانین شرع در درون انسان پدید می آید و سرچشمه مجموعه ای از کارهای خارق العاده می گردد. این نوع ولایت بر خلاف «ولایت تشریعی» کمال و واقعیّتی است اکتسابی و راه کسب برخی از مراتب آن به روی همه باز است، ولی مقاماتی که در «ولایت تشریعی» بیان گردیده همگی موهبت خداوندی است که پس از تحصیل یک سلسله زمینه ها، چیزی جز خواست خداوند در آن دخالت ندارد.

توجّه به باطن

انسان از دو جز به نام تن و روان آفریده شده است؛ به عبارت دیگر،

ص:۳۲

۱- ۴۵. المیزان، ج ۱۱، ص ۸۹ - ۹۳.

انسانیّتِ انسان، منحصر به جسم و تن نیست، بلکه باطن و جانی دارد که واقعیّت او را تشکیل می دهد و اگر بر سر راه تکامل انسان، از نظر جسم و ماده محدودیت هایی وجود دارد، سر راه تکاملش از نظر روح و معنا چنین محدودیّتی نیست، بلکه او از این نظر آمادگی بیشتری برای ترقی و تعالی دارد؛ چه بسا در پرتو اطاعت خدا و پیمودن راه حق می تواند قلّه های بس بلندی را پیموده و تسخیر کند. هرگاه انسان از شدّت توجه اش به امور مادّی و لذایذ جسمانی بکاهد و به درون گرایی و باطن نگری بپردازد، در این موقع می تواند نیروهای نهفته باطنی خویش را آشکار سازد و بر قدرت و توانایی اش بیفزاید.

اثر بندگی خدا

از نظر آیین اسلام انسان دو نوع زندگی دارد: ظاهری و معنوی «حیات ظاهری» همان زندگی حیوانی است که تمام بشر را در بر می گیرد و اسلام برای جلوگیری از هر نوع افراط و تفریط، برنامه خاصی برای این نوع زندگی تنظیم کرده است. برنامه اسلام، علاوه بر این که بهزیستی انسان را در جهان ماده فراهم می سازد، راه را برای تحقّق حیات معنوی نیز هموار می کند.

«حیات معنوی» از اعمال و نیت های انسان سرچشمه می گیرد و چنین حیاتی، سعادت و خوش بختی یا شقاوت و بدبختی را در پی دارد. بنابراین، حرکات و رفتار و کردار بشر، سازنده حیات معنوی و پدید آورنده قدرت روحی است که نتیجه آن سعادت و تعالی انسان و یا شقاوت و بدبختی او است.

در پسِ پرده زندگی ظاهری، واقعیتی زنده و حیاتی معنوی نهفته که

سرچشـمه تمـام خوش بختی هـا می باشـد و آن، «ولا‌یت» است که در افراد انسان به طور متفاوت پدیـد می آیـد و مبـدأ یک سلسله آثار شگرف می گردد. «اطاعتِ خدا» مایه «قرب الهی» و مخالفت با دستورهایش سبب دوری از او می شود.

قرب الهی

مقصود از قرب و تقرّب الهی، نزدیکی از نظر مکان نیست، زیرا خداوند جهان جسم و جسـمانی نبوده و دارای مکان نیست؛ تا بنده ای از نظر مکان به او نزدیک تر گردد. اما در عین حال او به ما، از خود ما نزدیک تر است؛

همان گونه که خداوند می فرماید: «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ»؛(۱) «ما از رگ گردن به او نزدیک تریم».

ممکن است سؤال شود: اگر خـدا مکـان نـدارد و چنین تقرّبی ممکن نیست، پس مقصود از قرب الهی و نزدیکی بنـده به خـدا چیست؟

در پاسـخ بایـد گفت: خداونـد جهان، کمال مطلق و نامحـدود است و پویندگان راه عبودیت و بندگی در پرتو کمالاتی که از این راه به دست می آورنـد، سـرانجام حائز کمال می شونـد و از دیگران، که فاقد این نوع کمال اند، مقرّب تر و نزدیک تر به خدای تعالی می گردند.

در جهـان آفرینش هر کسـی به تناسب کمال وجود خویش، قربی به ذات پروردگار دارد پس هر فردی که از نظر وجود کامل تر باشد به ذات الهی که کمال محض و نامتناهی است، مقرّب تر و نزدیک تر خواهد بود.

۱- ۴۶. سوره ق، آیه ۱۶.

وقتی می گوییم: خداونـد کمال مطلق و نامتناهی است، مقصود از آن، صـفات جمال خـدا از قبیل: علم، قدرت، حیات و اراده است. هرگاه بنده ای در پرتو پیمودن راه اطاعت، گام در درجات کمال می گذارد و از نردبان کمال بالا می رود، مقصود این است که کمال وجودی بیشتر، علم و قدرتی زیادتر، اراده ای نافذتر و حیاتی جاودانه تر یافته است. در این صورت می تواند از فرشته بالاتر رفته و از کمالات بشری بهره مند گردد.

پیـامبر گرامی صـلی الله علیه وآله در ضـمن حـدیثی به مقامات بلنـد سالکان راه حقّ و پوینـدگان راه عبودیّت و بنـدگی اشاره نموده، سخن پروردگار را چنین نقل می فرماید: «ما تقرّب إلیّ عبد بشی ء أحبّ إلیّ ممّا افترضت علیه و إنّه لیتقرّب إلیّ بالنافله حتّی أحبّه، فـإذا أحببتُه کنت سـمعه الـذی یسـمع به و بصـره الـذی ینطق به ویـده التی یبطش بهـا، إن دعانی أجبته، و إن سألنی أعطیته»(1)؛ «هیـچ بنـده ای بـا کـاری به من تقرّب نجسـته که محبوب تر از انجـام فرایض بوده باشـد. بنـده من با بجای آوردن نمازهـای نافله آن چنان به من نزدیک می شود که او را دوست می دارم. وقتی او محبوب من گردد، من گوش او می شوم که با آن می شـنود. و چشم او می شوم که با آن می بیند. و زبان او می گردم که با آن سخن می گوید. و دست او می شوم که با آن حمله می کند. هرگاه مرا بخواند اجابت می کنم و اگر چیزی از من بخواهد می بخشم».

در سایه اطاعت از خدا قدرت درونی انسان به حدّی می رسد که با قدرت الهی صداهایی را می شـنود که با نیروی عادی قادر به شنیدن آن نیست. صور

۱- ۴۷. کافی، ج ۲، ص ۳۵۲.

و اشباحی را می بیند که دیدگان عادی را یارای دیدن آن ها نیست. مقصود از این که خداوند چشم و گوش او می گردد، آن است که دیده اش در پرتو قدرت الهی نافذتر و گوشش شنواتر و قدرتش گسترده می گردد.

در مصباح الشریعه آمده است: «العبودیه جوهره کنهها الربوبیه(۱)»؛ «بندگی و پیمودن راه قرب به خدا، گوهری است که نتیجه آن خداوندگاری و کسب قدرت و توانایی بیشتر است.»

در این جمله مقصود از «ربوبیّت» خدایی کردن نیست، زیرا هیچ گاه بشر نمی تواند از حدود امکانی تجاوز کند، بلکه مقصود از «خداوندگاری» کسب کمالات بیشتر و قدرت و نیروهای بالاتر است.

آثار قرب الهی

قرب الهی آثار فراوانی دارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - تسلط بر نفس

خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ الصَّلاهَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنْکَرِ»(۲)؛ «نماز انسان را از بدی ها و منکرها باز می دارد».

و نیز می فرماید: «کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ»؛(۳) «روزه را بر شما بسان پیشینیان واجب کردیم تا پرهیزگار شوید».

۱- ۴۸. مصباح الشریعه، حدیث اوّل.

۲- ۴۹. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۳- ۵۰. سوره بقره، آیه ۱۸۳.

۲ - بینش خاص

از مزایای قرب الهی این است که انسان در سایه صفا و روشناییِ دل، بینش خاصّی پیدا می کند که با آن حقّ و باطل را به روشنی تشخیص می دهد و هرگز گمراه نمی شود. قرآن می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ یَجْعَلْ لَکُمْ فُرْقاناً»؛(۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر پرهیزکار باشید خدا به شما نیرویی می بخشد که با آن، حقّ و باطل را به خوبی تشخیص می دهید».

مقصود از «فرقان» بینش خاصّی است که سبب می گردد انسان حقّ و باطل را خوب بشناسد.

در آیه دیگر می فرماید: «وَالَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا»؛(۲) «کسانی که در راه ما سعی و کوشش کنند، آنان را به راه های خویش رهبری می کنیم».

و نیز می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَیَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ»؛(۳) «ای کسانی که ایمان آورده اید! از مخالفت با خدا بپرهیزید و به پیامبر او ایمان بیاورید. [خداوند] دو سهم از رحمت خویش را به شما می دهد و برای شما نوری قرار می دهد که با آن راه بروید».

۳ - نفی خواطر

پویندگان راه عبودیّت به واسطه تکامل و قدرتی که در سایه بندگی می یابند بر تمام اندیشه های پراکنده خود مسلط می شوند و در حال عبادت آن چنان

۱- ۵۱. انفال {۸} آیه ۲۹.
۲- ۵۲. عنکبوت {۲۹} آیه ۶۹.
۳- ۵۳. حدید {۵۷} آیه ۲۸.

تمرکز فکری و حضور قلب دارند که از غیر خدا غافل می شوند و غرق جمال و کمال خدا می گردند.

ابوعلی سینا می گوید: «عبادت، نوعی ورزش برای قوای فکری است که بر اثر تکرار و عادت به حضور در محضر خدا، فکر را از توجه به مسائلی مربوط به طبیعت و ماده به سوی تصورات ملکوتی می کشانـد. قوای فکری تسـلیم باطن و فطرت خـداجوی انسان می گردد و مطیع او می شوند.»(۱)

۴ - خلع نفس

در جهان طبیعت، روح و بـدن به یکـدیگر نیازی شدیـد دارند. از آن جا که روح بر بدن علاقه تدبیری دارد، بدن را از فساد و خرابی باز می دارد. از طرف دیگر، روح در فعّالیت خود به بدن نیازمند است و در پرتو اعضا و جوارح بدنی می تواند بشـنود، ببیند و...

امّا گاهی روح، بر اثر کمال و قـدرتی که از جانب قرب الهی پیـدا می کند، از اسـتخدام بدن بی نیاز می شود و می تواند خود را از بدن «خلع» کند.

۵ - تصرف در جهان طبیعت

در پرتو عبادت و قرب الهی، نه تنها حوزه بـدن تحت فرمان انسان قرار می گیرد، بلکه جهان طبیعت مطیع انسان می گردد و به اذنِ پروردگـارِ جهان در پرتو نیرو و قـدرتی که از تقرب به خـدا کسب نموده است، در طبیعت تصـرف می کنـد و مبـدأ یک سلسله معجزه ها و کرامات می شود و در حقیقت، قدرت بر تصرف و تسلط بر تکوین می یابد.

۱- ۵۴. اشارات، ج ۳، ص ۳۷۰.

قرآن و ولایت تکوینی اولیای الهی

با مراجعه به قرآن می توان شواهدی بر ولایت تکوینی اولیا اقامه نمود:

۱ – خداوند متعال از قول حضرت یوسف علیه السلام خطاب به برادرانش نقل می کند: «اذْهَبُوا بِقَمِیصِی هذا فَأَلْقُوهُ عَلی وَجْهِ أَبِی یَأْتِ بَصِیراً»؛(۱) «بروید و پیراهنم را بر چهره پدرم بیفکنید تا او نعمت بینایی خود را بازیابد».

در آیه دیگر می فرماید: «فَلَمَّا أَنْ جاءَ الْبَشِیرُ أَلْقاهُ عَلی وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِیراً»؛(۲) «هنگامی که مژده رسان آمد و پیراهن یوسف را بر صورت وی افکند، او بینایی خود را باز یافت».

از این آیه استفاده می شود که اراده و خواست و قدرت روحی حضرت یوسف علیه السلام در بازگردانیدن بینایی پدر خویش، مؤثّر بوده است.

۲ – خداوند متعال می فرماید: «وَإِذِ اسْتَسْقی مُوسی لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصاکَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتا عَشْرَةَ عَیْناً قَدْ عَلِمَ کُلُّ أُناسٍ مَشْرَبَهُمْ»(۳)؛ «به یاد آر هنگامی را که موسی برای قوم خود آب طلبید ما به او دستور دادیم عصای خود را بر سنگی زند، ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون آمد همه بنی اسرائیل آبشخور خود را دانستند».

۳ – می دانیم که حضرت سلیمان، ملکه سبا را احضار نمود، ولی پیش از آن که وی به حضور سلیمان برسد، سلیمان در مجلس خود به حاضران فرمود: «یا أَیُّهَا الْمَلَؤُا أَیُّکُمْ یَأْتِینِی بِعَرْشِها قَبْلَ أَنْ یَأْتُونِی مُسْلِمِینَ»؛(۴) «ای

۱– ۵۵. سوره یوسف، آیه ۹۳.

۲– ۵۶. همان، آیه ۹۶.

۳– ۵۷. بقره {۲} آیه ۶۰.

۴– ۵۸. نمل {۲۷} آیه ۳۸.

جمعیت! کدام یک از شما می تواند تخت بلقیس را برای من بیاورد پیش از آن که [بلقیس و همراهان مطیعانه وارد شوند؟» یک نفر از حاضران در مجلس گفت: «أَنَا آتِیکَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقامِکَ وَإِنِّی عَلَیْهِ لَقَوِیٌّ أَمِینٌ»(۱)؛ «پیش از آن که تو از جای خود برخیزی من آن را می آورم و من بر این کار توانا و امینم».

فرد دیگری به نام «آصف بن برخیا» اعلام کرد که در یک چشم به هم زدن می تواند آن را بیاورد؛ چنان که خداوند می فرماید: «قالَ الَّذِی عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْکِتابِ أَنَا آتِیکَ بِهِ قَبْلَ أَنْ یَرْتَدَّ إِلَیْکَ طَرْفُکَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قالَ هذا مِنْ فَضْلِ رَبِّی»(۲)؛ «کسی که نزد او دانشی از کتاب بود چنین گفت: پیش از آن که تو چشم بر هم بزنی، من آن را در این مجلس حاضر می کنم. ناگهان سلیمان تخت را در برابر خود حاضر دید و گفت: این نعمتی است از جانب خدا بر من».

۴ - قرآن مجید بعضی از کارهای فوق العاده را به حضرت مسیح علیه السلام نسبت می دهد و این می رساند که همه آن کارها از نیروی باطنی و اراده خلاق او سرچشمه می گرفته است؛ چنان که می فرماید: «أَنِّی أَخْلُقُ لَکُمْ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَهِ الطَّیْرِ فَأَنْفُخُ فِیهِ فَیَکُونُ طَیْراً بِإِذْنِ اللّهِ وَأُبْرِئُ الْأَکْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْیِ الْمَوْتی بِإِذْنِ اللّهِ»؛(۳) «من برای شما از گل شکل مرغی می سازم و در آن می دمم که به اذن خدا پرنده می شود. کور مادرزاد و پیسی را شفا می دهم و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم».

۱- ۵۹. همان، آیه ۳۹.

۲- ۶۰. همان، آیه ۴۰.

۳- ۶۱. آل عمران {۳} آیه ۴۹.

۵ – قرآن کریم در مورد یکی از معجزات و تصرفات تکوینی حضرت محمّدصلی الله علیه وآله می فرماید: «اقْتَرَبَتِ السّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ وَإِنْ یَرَوْا آیَةً یُعْرِضُوا وَیَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ»؛(۱) «نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه و هرگاه نشانه ای ببینند روی بگردانند و گویند: سحری دائمی است».

بسیاری از مفسّران در بیان شأن نزول آیات فوق آورده اند: روزی مشرکان به پیامبرصلی الله علیه وآله گفتند: اگر در ادّعای خود راست گویی، ماه را برای ما دو نیم کن. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: آیا اگر این کار را انجام دهم، ایمان می آورید؟ گفتند: آری. پیامبرصلی الله علیه وآله از خدا درخواست کرد تا خواسته شان را به او عطا کند. سپس ماه به دو نیم شد.(۲)

حقّ این است که معجزه فعل ولیّ خدا است که به اذن و مشیّت خداوند انجام می گیرد.

بنابراین، مقصود از «انْشَقَّ الْقَمَرُ» در آیه نخست، معجزه و تصرف تکوینی پیامبرصلی الله علیه وآله در انشقاق (دو نیم شدن) ماه است.

شاید چنین پنداریم که انشقاق ماه در این آیات، به دو نیم شدن آن در روز رستاخیز اشاره دارد، ولی قراینی وجود دارد که برداشت اوّل را تأیید می کند:

الف) عبارت «وَإِنْ یَرَوْا آیَةً یُعْرِضُوا» حاکی از آن است که در این جا مقصود از آیه، آیات قرآنی نیست، بلکه مقصود از آن معجزه است، زیرا قرآن از معجزات پیامبران با الفاظی، همچون: «آیه» و «بیّنه» یاد می کند. مناسب بود که در شکل اول، به جای فعل دیدن «یروا» از افعالی، همچون: شنیدن یا

۱- ۶۲. سوره قمر، آیات ۱ و ۲.

۲- ۶۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۲۳۷.

نزول استفاده شود؛ مثلاً گفته می شد: «وان سمعوا» یا «وان نزلت آیه»؛ بنابراین، مقصود از آیه، اعجاز پیامبرصلی الله علیه وآله وانشقاق ماه است.

ب) عبارت «وَ یَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ» نیز، قرینه ای بر این معناست که سخن در این آیات راجع به معجزه پیامبرصلی الله علیه وآله است، نه انشقاق ماه در رستاخیز، زیرا در روز قیامت که پهنه ظهور تمام حقایق است کسی سخن باطلی بر زبان نمی راند، در حالی که سحر خواندن آیات الهی سخن باطلی است.

حاصل آن که با توجه به قراین یاد شده از یک سو و شأن نزول آیات از سوی دیگر، آیات نخستین سوره قمر به یکی از معجزات و تصرفات تکوینی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که دو نیم کردن ماه و ناشی از ولایت تکوینی او است، اشاره دارد.

ولایت تکوینی امام زمان علیه السلام

ولایت تکوینی امام زمان علیه السلام و سایر امامان را با ذکر چند مقدمه می توان به اثبات رسانید:

مقدمه اوّل

گفتیم که حضرت سلیمان به حاضران در مجلس خود گفت: کدام یک از شما می تواند تخت بلقیس را برای من بیاورد، پیش از آن که بلقیس و همراهان او مطیعانه وارد شوند... آصف بن برخیا اعلام کرد که در یک چشم بر هم زدن می تواند آن را بیاورد؛ خداوند متعال در مورد این داستان می فرماید: «قالَ الَّذِی عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْکِتابِ أَنَا آتِیکَ بِهِ قَبْلَ أَنْ یَرْتَدَّ

إِلَیْکَ طَرْفُکَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قالَ هذا مِنْ فَضْلِ رَبِّی»؛(1) کسی که مقداری از علم کتاب داشت، توانست در نظام تکوین تصرف کرده و تاج و تخت بلقیس ملکه سبا را از راه بسیار دور کمتر از یک چشم به هم زدن نزد سلیمان حاضر کند.

از این آیه به خوبی استفاده می شود اگر کسی از کتاب خدا اطلاع داشته و به آن عالم باشد، قدرت تصرّف در کائنات را دارد که همان ولایت تکوینی است.

مقدمه دوّم

در آیه ای دیگر می خوانیم: «قُلْ کَفی بِاللَّهِ شَهِیداً بَیْنِی وَبَیْنَکُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ»؛(2) «بگو تنها گواه بین من و شما، خدا و کسی که دانای حقیقی به کتاب خدا است کافی خواهد بود».

از این آیه استفاده می شود خداوند متعال و گروهی دیگر که عالم به کلّ کتاب اند بین پیامبر و مردم شاهد بوده و شهادت خواهند داد. همچنین بر می آید جماعتی هستند که عالم به کل کتاب اند، زیرا از طرفی لفظ «مَن» از موصولات است ولذا دلالت بر عموم دارد. از طرف دیگر «علم» مصدر است و در علم اصول فقه بیان شده که مصدر مضاف مفید عموم است. همچنین طبق نظر برخی مفرد محلّی به الف و لام نیز دلالت بر عموم دارد، پس از چند جهت «علم الکتاب» دلالت بر عموم دارد. در نتیجه این که از این جمله استفاده می شود که جماعتی هستند که از کلّ کتاب آگاهی داشته و بدان عالمند.

۱- ۶۴. نمل {۲۷} آیه ۴۰.

۲- ۶۵. رعد {۱۳} آیه ۴۳.

مقدمه سوم

در قرآن کریم می خوانیم: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیمٌ* فِی کِتـابٍ مَکْنُونٍ* لا یَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُونَ»؛(۱) «همانا آن قرآن کریمی است که در کتاب محفوظی جای دارد. و جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند».

در «لاـ یمسّه» دو احتمـال است: یکی مسّ ظـاهری بـا اجزای بـدن و دیگری، مسّ بـاطنی. همـان گونه که در «مَطهرّون» نیز دو احتمال است: یکی طهارت ظاهری با اجزای بدن و دیگری، طهارت باطنی با قلب.

با مراجعه به قرآن پی می بریم که خداوند متعال لفظ مسّ را در هر دو معنا به کار برده است.

الف) مسّ ظاهری: خداونـد متعال می فرماید: «قالَتْ رَبِ ـّ أَنِّی یَکُونُ لِی وَلَدٌ وَلَمْ یَمْسَسْنِی بَشَرٌ»؛(۲) «مریم عرض کرد: خدایا مرا چگونه فرزندی تواند بود و حال آن که مردی به من نزدیک نشده است».

ب) مسّ باطنی: خداونـد متعال می فرمایـد: «إِنَّ الَّذِینَ اتَّقَوْا إِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّیْطانِ تَـذَکَّرُوا»؛(۳) «چون پرهیزکاران را از شیطان وسوسه و خیالی به دل رسد، همان دم خدا را به یاد آرند».

همچنین طهارت نیز در قرآن به دو معنا به کار رفته است: ظاهری و باطنی.

الف) طهارت ظاهری: «وَثِیابَکَ فَطَهِّرْ»؛(۴) «ولباست را پاک گردان.»

۱- ۶۶. واقعه {۵۶} آیات ۷۷ - ۷۹.

۲- ۶۷. آل عمران {۳} آیه ۴۷.

۳- ۶۸. اعراف {۷} آیه ۲۰۱.

۴- ۶۹. سوره مدّثر، آیه ۴.

ب) طهارت باطنی: «یا مَرْیَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفاكِ عَلی نِساءِ الْعالَمِینَ»(۱)؛ «ای مریم همانا خداوند تو را برگزیده و پاکیزه گردانید و بر زنان جهانیان برتری بخشید».

در مورد آیه «لا یَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُونَ» در «لا یمسه» دو احتمال وجود دارد، نهی بودن و نفی بودن که هر دو به یک صیغه ادا می شود.

نهی به این معنا است که قرآن را نباید مسّ کند، که ظهور در مسّ ظاهری دارد و در مقابل آن، مقصود به طهارت نیز ظاهری است. و اگر مقصود «نفی» باشد، اخبار است و ظهور در مسّ باطنی دارد به این معنا که مسّ نمی کند و تماس حاصل نمی کند و به تعبیر دیگر، به عمق قرآن نمی رسند، مگر کسانی که مطهّرند و طبیعتاً طهارت نیز باطنی معنا می شود؛ یعنی کسانی که از هر عیب و نقص و گناهی پاک اند.در نتیجه معنای آیه این می شود: «مسّ نمی کند کتاب محفوظ را مگر کسانی که مطهّرند.» به نظر فخر رازی ظهور آیه در مسّ باطن است.

مقدمه چهارم

در این که مطهّران چه کسانی اند؟ باز به قرآن مراجعه می کنیم؛ خداوند متعال می فرماید: «إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَكُمْ تَطْهِیراً»(۲)؛ «همانا خدا چنین می خواهد که هر رجس و پلیدی را از شما خانواده نبوت دور سازد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند».

در این آیه شریفه، مصداقِ مطهران مشخص و معین شده است؛ آنان کسانی جز اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله نیستند.

ص:۴۵

۱- ۷۰. آل عمران {۳} آیه ۴۲.

۲- ۷۱. احزاب {۳۳} آیه ۳۳.

مقدمه پنجم

در تشخیص مصداق اهل بیت باید به روایات مراجعه کرد، زیرا قرآن می فرماید: «وَأَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»؛(۱) «و بر تو قرآن را فرستادیم تا بر امت آنچه فرستاده شد، بیان کنی».

مقدمه ششم

با مراجعه به روایات فریقین شیعه و سنی پی می بریم که مقصود به اهل بیت در آیه شریفه، پیامبر اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می باشند. اگر چه حصر در آیه اضافی است در مقابل همسران پیامبرصلی الله علیه وآله و بقیه صحابه تا آن ها از شمول آیه خارج گردند؛ در نتیجه آیه تطهیر شامل بقیه اهل بیت علیهم السلام از دوازده امام نیز می شود.

۱ – مسلم به سند خود از عائشه نقل می کند: پیامبرصلی الله علیه وآله صبحگاهی از حجره خارج شد، در حالی که بر روی دوش او پارچه ای از پشم خیاطی نشده بود. حسن بن علی بر او وارد شد، او را داخل کسا کرد، آن گاه حسین وارد شد، او نیز در آن داخل شد. سپس فاطمه وارد شد، او را نیز داخل آن کرد، بعد علیّ وارد شد، او را نیز داخل کسا نمود؛ آن گاه این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»(۲).

۲ – ترمذی به سند خود از ام سلمه نقل می کند: پیامبرصلی الله علیه وآله بر روی حسن، حسین، علی و فاطمه پارچه ای کشید؛ آن گاه عرض کرد: بار خدایا اینان

۱- ۷۲. نحل {۱۶} آیه ۴۴.

۲- ۷۳. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰.

اهل بیت من و از خواصّ من هستند، رجس و پلیدی را از آنان دور کن و پاکشان گردان.(۱)

۳ - همو از عمر بن ابی سلمه، ربیب پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند: هنگامی که آیه تطهیر در خانه ام سلمه بر پیامبرصلی الله علیه وآله نازل شد، فاطمه و حسن و حسین را دعوت نمود و روی آنان کسایی کشید. علی نیز پشت سرش بود؛ آن گاه کسا را بر روی همه کشید سپس عرض کرد: بار خدایا! اینان اهل بیت من هستند، رجس و پلیدی را از آنان دور کن و پاکشان گردان. امّ سلمه عرض کرد: ای رسول خدا! آیا من هم با آنانم؟ حضرت فرمود: تو در جای خود هستی، تو بر خیری.(۲)

۴ - همچنین به سند خود از انس بن مالك نقل می کند: رسول خداصلی الله علیه وآله تا شش ماه هنگام رفتن به نماز صبح مرتب بر درب خانه فاطمه گذر می کرد و می فرمود: الصلاه یا اهل البیت: «إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً».(۳)

۵ - احمد در مسند به سندش از امّ سلمه نقل می کند: پیامبرصلی الله علیه وآله در حجره او بود، فاطمه با ظرفی از آب گوشت بر پیامبرصلی الله علیه وآله وارد شد. پیامبرصلی الله علیه وآله، در حالی که در رختخواب خود نشسته و بر چیزی تکیه داده بود، فرمود: همسر و دو فرزندت را نیز دعوت کن. ام سلمه می گوید: من در حجره نماز می خواندم: در آن هنگام این آیه بر پیامبرصلی الله علیه وآله نازل شد: «إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ

۱- ۷۴. صحیح ترمذی: ج ۵، ص ۶۵۶، کتاب المناقب.

۲- ۷۵. همان، ص ۳۲۷، کتاب تفسیر القرآن.

۳- ۷۶. همان.

الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». ام سلمه می گوید: پیامبرصلی الله علیه وآله گوشه کسا را گرفت و بر روی همه کشاند؛ آن گاه دستانش را به آسمان بلند کرد و عرض کرد: بار خدایا! اینان اهل بیت من و از خواص من هستند، رجس و پلیدی را از آنان دور ساز و پاکشان گردان. امّ سلمه می گوید: به رسول خداصلی الله علیه وآله عرض کردم: آیا من با شما هستم؟ فرمود: تو بر خیری، تو بر خیری.(۱)

مقدمه هفتم

حصر در آیه تطهیر اضافی است نه حقیقی؛ یعنی طهارت فقط مخصوص شما پنج تن است نه صحابه یا همسران پیامبرصلی الله علیه وآله. و می دانیم که در زمان نزول آیه از معصومین تنها این پنج تن بوده اند و لذا منافات ندارد که آیه تطهیر شامل افرادی شود که از امامان معصوم یکی پس از دیگری بعد از امام حسین علیه السلام آمده اند.

نتیجه این که: ائمه اهل بیت علیهم السلام از آن جمله امام زمان علیه السلام ولایت تکوینی دارند.

ص:۴۸

۱- ۷۷. مسند احمد، ج ۶، ص ۲۹۲.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام

۲ - امامت در سنین کودکی

۳ - امامت و غیبت

۴ - غیبت صغری

۵ - غیبت کبری

۶ - وظایف ما در عصر غیبت

۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام

۸ - بررسی دعای ندبه

۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر

۱۰ - دفاع از مهدویت

۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی

۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان

۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان

۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث

۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل

۱۶ - مهدویت و جهانی سازی

۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۱۸ - علایم ظهور

۱۹ - هنگامه ظهور

۲۰ – حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

ص:۴۹

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ - قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲ - قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۳ - قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

۴ - قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۵ - قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای

۶ - کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۷ - کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۸ - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۹ - منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای

۱۰ - نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی

۱۱ - صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای

۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۳ - آئینه اسرار حسین کریمی قمی

۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی

۱۵ - آخرین پناه محمود ترحمی

۱۶ - آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات

۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۱و۲)/شعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا موسوی

۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی

۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۲۰ - ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۲۱ - از زلال ولایت واحد تحقیقات

۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۳ - امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۲۵ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سیّد محمّد حسین کمالی

۲۶ - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام(روسی) آلمات آبسالیکوف

۲۷ - امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۲۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

ص:۵۱

۲۹ – انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

۳۰ – انتظار و انسان معاصر عزیز اللّه حیدری

۳۱ – اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی

۳۲ – با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۳۳ – بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

۳۴ – بهتر از بهار/کودک شمسی (فاطمه) وفائی

۳۵ – پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی

۳۶ – پرچم هدایت محمد رضا اکبری

۳۷ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسیم و خشنونت طلبی علی اصغر رضوانی

۳۸ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی

۳۹ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی

۴۰ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی

۴۱ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی

۴۲ – تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۴۳ – تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۴۴ – تاریخچه مسجد مقدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات

۴۵ – تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۴۶ – تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۴۷ – تشرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری

۴۸ – جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۵۰ - چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۵۱ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی

۵۲ - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۵۳ - حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۵۴ - ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۵۵ - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۵۶ - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۵۷ - خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۸ - دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۵۹ - داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۶۰ - داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۶۱ – در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف

۶۲ – در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۶۳ – در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۶۴ – دفاع از حریم امامت و ولایت(مختصر شب های پیشاور) کریم شنی

۶۵ – دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۶۶ – دین و آزادی محمّد حسین فهیم نیا

۶۷ – رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی

۶۸ – رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۶۹ – روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی

۷۰ – زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات

۷۱ – سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۷۲ – سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۷۳ – سرود سرخ انار الهه بهشتی

۷۴ – سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۷۵ – سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۷۶ – سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

۷۷ – سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۷۸ – سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام(دوجلدی) محمّد امینی گلستانی

۷۹ – سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۸۰ – شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمّد حسین نائیجی

۸۱ – شمس وراء السحاب/ عربی السیّد جمال محمّد صالح

۸۲ – صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۸۳ – ظهور حضرت مهدی علیه السلام سیّد اسد اللّه هاشمی شهیدی

۸۴ – عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۸۵ – عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۸۶ – عطر سیب حامد حجّتی

۸۷ – عقد الدرر فی أخبار المنتظرعلیه السلام/عربی المقدس الشافعی

۸۸ – علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۸۹ – علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۹۰ – غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۹۱ – غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۲ – فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی

ص:۵۳

۹۳ – فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۹۴ – فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۹۵ – فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۹۶ – فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری

۹۷ – فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۹۸ – فریادرس حسن محمودی

۹۹ – قصه های تربیتی محمّد رضا اکبری

۱۰۰ – کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۰۱ – کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۰۲ – کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان

۱۰۳ – کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۱۰۴ – گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۱۰۵ – گفتمان مهدویت آیت اللّه صافی گلپایگانی

۱۰۶ – گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی

۱۰۷ – مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی

۱۰۸ – مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله

۱۰۹ – مفرد مذکر غائب علی مؤذنی

۱۱۰ – مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی

۱۱۱ – منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله

۱۱۲ – منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی

۱۱۳ – منشور نینوا مجید حیدری فر

۱۱۴ – موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۱۵ – مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللّٰه حیدری

۱۱۶ – مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب

۱۱۷ – مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار – دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای

۱۱۸ – مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی

۱۱۹ – مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

۱۲۰ – میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی

۱۲۱ – ناپیدا ولی با ما / (فارسی ،ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات

۱۲۲ – نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۲۳ – نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۲۴ – ندای ولایت بنیاد غدیر

ص:۵۴

۱۲۵ – نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۲۶ – نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۲۷ – نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۲۸ – نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۲۹ – نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۳۰ – و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۳۱ – واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۳۲ – وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۳۳ – ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۳۴ – هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۳۵ – همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

۱۳۶ – یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۳۷ – یار غائب از نظر(مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۳۸ – ینابیع الحکمه/عربی – پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم – صندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ – ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳ ، ۶۶۹۲۸۶۸۷ – ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ - ۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹